

در حاشیه رویدادها

امیرانتظام ، "رابط" جمهوری اسلامی و امپریالیسم در دادگاه

با آنکه در مصاحبه های مطبوعاتی سخنگوی دولت با زمانهای سیاسی ، علی الاصول ، هدف اصلی تبلیغات و اظهارات بودند ، اما نباید نادیده گرفته های امیرانتظام همواره بی ربط بود . در مصاحبه های مطبوعاتی یکشنبه ۱۹ اردیبهشت ۵۸ امیرانتظام ، نخستین بار به ماجرای سعادت اشاره میشود ، درحالیکه فقط سه روزی از بازداشت او میگذشت :

"اگر ایجاب کند شایدا تا آخر همین هفته خبرهایی بدهم . این اطلاعات در مورد جاسوسی کشورهای خارجی در ایران است ... (آبندگان ۱۵ اردیبهشت ۵۸) ."

از آنجا که امیرانتظام نه در آخر آن هفته و نه هفته های بعد از چنین اطلاعاتی حرفی نزد ، احتمال آگاهی مستقیم و دقیق او از جریان بازداشت سعادت بیگین نزدیکتر میشود و این زمانی است که سعادت بیگین هنوز در خانه ای امن پشت سفارت آمریکا است و دولت موقت بعدها رسماً "ادعا کرد که تا مدت ها پس از بازداشت او از جریان خبر نداشته است ."

بهر تقدیر ، سخن پراکنی امیرانتظام در تهران به درازا نکشید و یکی دو ماه پس از رسمیت یافتن دولت موقت ، به سفارت ایران در کشورهای اسکاتلندینا وی منصوب شد ، اگر چه تا پیش از بازگشت او از آنجا در آنجا که در اسکاتلندینا بود ، با این که در آن اوضاع و احوال سفارتخانه ای برای زدن چه فعالیت مهمی داشت که با وجود داشتن سفیر در سفارتخانه های فعالتر ، امیرانتظام با شتاب و اصرار

در نخستین روزهای روی کار آمدن رژیم اسلامی ، شخصیتی که تا آن زمان حتی برای بسیاری از سازمانهای سیاسی ناشناخته بود بعنوان سخنگوی دولت موقت بر صفحه تلویزیون ظاهر شد . عباس امیرانتظام ، معاون بسیار خوش پوش و آراستهی نخست وزیر و سخنگوی دولت در پاسخ بیشتر سئوالهایی که در مصاحبه های مطبوعاتی اش از او میشد "تمیذ" حرفی برای زدن نداشت . از موضوع های ظاهرآ ساده ای تکنیکی مانند آمار واردات و صادرات گرفته تا مسائل سیاست خارجی ، امیرانتظام - آن چنان که از پاسخها پیشتر میآید - از هیچکدام چپیزی نمیدانست ، اما اگر بایستی سازمانهای جاسوسی را با روابط آمریکا در میان بود ، ناگهان هیجان زده میشد . در مصاحبه مطبوعاتی پنجشنبه ۲۱ خرداد ماه ۵۸ او اظهار میدواری کرد که :

"نجه فعلاً" بر روابط ایران و آمریکا تا شیر گذاشته از زمین بیرون رود و روابط دو کشور بحالت عادی بازگردد" (آبندگان شنبه ۲۲ تیر ۵۸) .
مضمون اظهارات امیرانتظام صریح برای "از بین رفتن عوامل نامطلوب و عادی شدن روابط با آمریکا" است . در مصاحبه های او شنیده میشود . در برابر اعتراضات و تمسخرهای فراوان به حضور سکوک ، اطلاعات بسیار محدود و بیانات شدیداً "حساسی" این شخص درباره ی سازمانهای سیاسی بیرونی بیرون از دستگاه "حکومت" ، مهندس بازرگان را ، همراه با صابغیان و یردی ، بعنوان "پاکترین آدمیانی که پیدا کرده است یاد کرد ."

سازمان آنجا که شرکاء هنوز به اندازه ی کافی مدافع شده بودند ، در آن زمان هیچیک از مبارزان عداوت با نیست "که امروزه او را به محاکمه کشیده اند" . این دو اعتراضی به عوامل نامطلوب و اوضاع عادی مورد نظر سخنگوی دولت موقت نکرد . امیرانتظام در دفاعاتش میگوید :

"ساعت ۸ بعد از ظهر جمعه به بهمن ۵۷ بود که آقای مهندس بازرگان به اتفاق آیت الله موسوی اردبیلی برای مذاکره با سالیوان سفیر کمبریج آمریکا و استمپل در منزل آقای دکتر فریدون سحابی جلسه داشتند . پس از خروج آقای سالیوان و استمپل به اتاقی که آقای بازرگان و موسوی اردبیلی بودند رفتیم و گزارش کار خود را دادیم"

در جلسه ای پیش از این (که امیرانتظام تاریخ آنرا ذکر نکرده ، اما پیداست که با پیدایش از ۲۲ بهمن باشد) پیام استمپل ، ما مورسفات آمریکا را به اعضای شورای انقلاب می دهد و آقای اردبیلی برای او تلفن میآورد تا جواب آنرا به استمپل برساند .

هفته نامه
رهائی
نشریه
سازمان وحدت کمونیستی

به آنجا رفت ، اندکی پایین ترمی رسم . بدنبال اسغال دوم سفارت آمریکا و پیداشدن اسنادی درباره ی امیرانتظام ، اوبه تهران فراخوانده شد و در ۲۷ آذرماه ۵۸ به زندان افتاد .

بدنبال این بازداشت ، نهضت آزادی ایران در اردیبهشت ماه ۵۸ با انتشار اطلاعیه ای به همین مناسبت ، عضویت امیرانتظام در نهضت آزادی را محدودیه چندماهه ، آنهم پیش از سال ۱۳۴۲ ، اعلام کرد . اما این موضوع نه تنها بدنبال نشد بلکه پس از آغاز محاکمه ی امیرانتظام در ۱۲۶ سفند ۵۹ روزنامه میزان ارگان نهضت آزادی ، بدفاع سرسخانهای از او پر- داخت . در ضمن دفاعیات بازرگان (که گفت " تبادل اطلاعات " زیر نظر مستقیم شخصی او جریان داشته) و خود امیرانتظام ، روشن شد که امیرانتظام در سال ۱۳۴۲ از ایران رفت و تا آبانماه ۵۷ که در پاریس به بازرگانان و حواریون آیت الله خمینی پیوست در آمریکا بود . آنگاه ، همراه با بازرگان به ایران بازگشت و روز ۲۲ بهمن ۵۷ به دعوت بازرگان وارد دولت موقت شد .



امیرانتظام چرا به زندان افتاد و چرا به محاکمه کشیده شد؟ درباره ی خود او ، با هم- " افتا گریها " ، چیزهای بسیار مانده که با یدروشن شود . اما یک نکته قطعی است : او ، پیش از هر چیز قربانی جدال دوجناح حکومت شده که این به کشمکش و روابط دوجناح بطور کلی و موقعیت او - بعنوان کم اعتبارترین ، ضعیف ترین و بی هوادارترین عضو نهضت آزادی بازرگان - بر میگردد . اگر قرار بود کسی از طرافان بازرگان گروهان گرفته شود ، قرعه ی از او باید نام یکی از کوچکترها می افتاد .

با این همه ، قضیه سخ پیدا کرده است . بازرگان در زندان خود ، بزدی و چمران مستقیما " در جریان " بهسبب " تبادل اطلاعات " امیرانتظام و آمریکا - برپا بوده اند - و این دست کم ، ضیعه است . بهتراست بگوئیم همه ی اعضای اسبق و بق شورای انقلاب و حکومت و تمام بزرگان قبیل - از رهبر به پائین - در جریان کارهای یکدیگر بوده اند . امیرانتظام در دادگاه میگوید :

" در سفر دومی که با اجازه ی آقای مهندس بازرگان ، نمایندگان آمریکا به سوئد آمده بودند درباره ی مبادله ی سفیر سوئال کردند و من هم چون رسما " ما مور مذاکره بودم گفتم احتمالا " یا من یا آقای بنی اسدی (سفیر ایران در آمریکا) خواهیم بود روش نیست که " سفردوم " بهرفت آمده ای خود او بر میگردد با منظور مشافرتهای آمریکا می باشد . در هر حال ، ماء موریت رسمی برای مذاکره با نمایندگان دولت آمریکا به هیچ روی نمیتوانسته پنهان از چشم سلسله مراتب دوگانه ی حاکمان به کسی داده شود . از این بالاتر ، امیرانتظام ، بسا نتیجه گیری از حرف خودش ، در استکھلم بساط بنگاه مشاوره با آمریکا میها را به راه انداخته بود . سوئد بعنوان جانی آرام و بی هیا هو برای اینکار ، تصادفی و بی مطالعه انتخاب نشده بود . کل قضا یا و مدارکی که از سفارت آمریکا به دست آمده این فرض را تقویت

میکند که امیرانتظام مستقیما " با آمریکا میها تماس داشته و به آن ها گزارش میداده است . اما ما چرا یک داستان پلیسی عملیات مخفی نیسوده بلکه کما ملا " برعکس ، امیرانتظام در مسیر سیاست دولتی حرکت میکرده که نکیه به آمریکا و سرکوبی نیروهای انقلابی را در نظر داشته است . خود او ، در دفاعیاتش در دادگاه ، حیرتش را از این که چرا و چگونه در این مخمصه گرفتار شده پنهان نمیگند . اگر از بخت پریشان ، حزبان جنبیدند و کشمکش دوجناح شریک حکومت یا لایمی گرفت و تسمه ها محکم تر کشیده میشد ، شاید امروز او - آنچنان که آرزو میکرد - سفیر ایران در واشینگتن میبود .

هنوز روشن نیست که شور و جوش امیرانتظام برای انحلال مجلس خبرگان نسبت به دیگر اعضای دولت موقت تا چه اندازه بوده است . اما دوندگیهای او برای انحلال مجلس خبرگان با بدختم حزب را از قاطی شدن شلغم با میوه جات برانگیخته باشد . چند ماهی پیش از آن شایع شده بود که امیرانتظام یهودی است . در آغاز دومین جلسه محاکمه ای او ، آیه ای از قرآن خوانده شد که یهودیان و منافقان ظاهرا ایمان آورده را محکوم میکند .

چهارمین جلسه ی محاکمه ی امیرانتظام ظاهرا ترجمه ی رسمی اسنادی که بخش عمده ی کیفرخواست بر پایه ی آن تنظیم شده معوق مانده است . پس از اعلام این خبر ، آیت الله محمدی کیلانی ، حاکم شرع دادگاه امیرانتظام ، به دیدار آیت الله خمینی رفت . علت اصلی تعویق محاکمه هر چه باشد . دست کم سه مشکل عمده در سر راه است . اول : به راه انداختن محاکمه با کمک اسنادی که از اجانب بدست آمده ممکن است عواقب ناگواری در پی داشته باشد . امیرانتظام این اسناد را جعلی خواند . اما در همان حال که فریاد حمایت از دانشجویان پیرو خط امام بر میخواست ، تلویحا " توضیح داد که منظورش و از منافقان و فاسقانی که اسناد را ساخته اند ، خود آمریکا میهاست و ادعا کرده آنها این اسناد را عمدا " برای نابود کردن شخصیت های انقلابی و کل انقلاب ایران فراهم کرده و بجای گذاشته اند . استفاد از اسناد بعنوان سند جرم ، موقعیت کسان دیگری را هم به خطر می اندازد ، زیرا هم نامهای دیگری در اسناد مربوط به امیرانتظام آمده وهم این که درباره ی اشخاص دیگر اسناد مستقلی هست . یکی از دلایل تعطیل موقت محاکمه ، میتوانم مطالعه و غربال کردن اسنادی باشد که اصل آنها با ید در دسترس او قرار گیرد و منتشر شود . از اجانب دیگر ، در تدارک برای انحلال مجلس خبرگان نیز امیرانتظام تنها نبود به گفته ی بازرگان " این فکر از خیلی وقت پیش بوده ۱۷۰۰۰ وزیر ریخته و کار رگشته مثل صدر حاج سیدجوادی " در جریان دخالت داشته اند .

دوم : ادامه ی این محاکمه با ید با کل شرایط سیاسی جامعه سازگار باشد . اگر قرار است دوجناح حکومت موقتا " با هم کنار بیایند ، میتوان امیرانتظام را تا اطلاع ثانوی در انتظار گذاشت و اگر قرار است حزب ، حزبان را ضربه فنی کند با ید مناسب ترین وقت پیش بینی شود . زمان آغاز

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگرمی باد

محاكمه‌ی امیرانتظام هم مانند محاکمه‌ی سعادت‌سی با حساب و کتاب انتخاب شد، به تعویق افتادن این محاکمه احتمالاً میتواند برای مهیا کردن همه‌ی زمینه‌های سردوشدت بخشیدن به آن با محاکمه‌ی امیر انتظام باشد، تعطیل میزان و زمزمه‌ی فراخوانده شدن بی‌مدربرای با زیرسی بی‌امون قضا پیای دانشگاه، این فرض را تقویت میکند.

سوم: رای صادره اهمیت فراوان را زکشمکش حزب جمهوری اسلامی و نهضت آزادی دارد. روزنامه‌ی کیهان در یادداشتی بر محاکمه‌ی امیرانتظام (۹ فروردین ۶۰) هشدار داد که می‌داند او را تبرئه کنند زیرا در آن حالت با بدیاسخ آن هاشی رادادکسه "قریباً دیرداشته اند جاسوسان شرقی محاکمه میشوند و جاسوسان غربی آزاد". از نظر افکار عمومی، اگر اینها موطئه برای انحلال مجلس خبرگان و نوعی محاربه با ایدئولوژی اسلام و قرآن با عضویت در سازمان محاهدین برابر شود و اگر مسئولیت امیر انتظام بعنوان عضو رسمی دولت نادر گرفته شود، نازدها و همان ده سالی را که به سعادت‌سی داده شده طلسمکار است. اگر محکومیتی کوتاه‌تر نصیب امیر انتظام شود، حرف آیت‌الله طالقانی بر دیوارها نوشته خواهد شد که "در این مملکت همیشه جاسوس روس می‌گیرند، یکبار ندیدیم جاسوس آمریکا بگیرند. اگر بای محکومیت‌های سنگین به میان بیاید امیرانتظام در به میان کشیدن پای دیگران تا کجا میتواند پیش برود؟ او حکم نخست وزیری بازرگان را مگر در دادگاه مسخواند و در برابر اتهام تماس با آمریکایی‌ها از خود سلب مسئولیت میکند. در جای دیگر، با ذکر نام و نشان، تماسها و مذاکرات مکرر با مقامات آمریکایی را به یاد جناح دیگر می‌آورد. بکقدم آن سوتر، امام امت ایستاده است. از میان آنچه علیه امیرانتظام ارائه شده، هیچ کاری نیست که بی‌دخالت و نظارت دیگران شده باشد و آیت‌الله خمینی بر همه چیز آگاه بوده است.



وکلاهی معممی که بخواهند در جریان محاکمه‌ی امیرانتظام، "دفاع از حقیقت جوئی" و "آزادی زندانی سیاسی" رایج جای دفاع از شخص او بگذارند خیلی زود متوجه میشوند که نه آنها میل زولا هستند، نه امیرانتظام، در بغوس و نه دادگاه عدل اسلامی دادگستری فرانسه است. تنها راه حقیقت جویانه، به محاکمه کشیدن کل رژیم است که برادران ایمانی معرکه گردان آن، در شب قیام بهمن در خانه‌های یکدیگر با جاسوسان اجنبی مذاکره میکنند و اندکی بعد می‌گوشند یا صدای شکستن کاسه‌کوزه‌ها، اعتراض‌های اصلی را محو کنند. در چنین مبارزه‌ی مرگباری، هر وکیل مدافعی باید خطر یک خودکشی سیاسی را پذیرا باشد.